



Policies for Enhancing Foreign Direct Investment Toward Technology Development

Mohamad Sadegh Saremi^{1*}, Amir Zakery²

1- Research Fellow, Technology Studies Institute,
Tehran, Iran

2- Assistant Professor, School of Progress
Engineering, Iran University of Science and
Technology, Tehran, Iran

Finally, one of the important recent cases of FDI in the country (IranCell Company) has been examined from the perspective of policies related to the development of technological capabilities by foreign investment.

Keywords: Foreign Direct Investment, Technology Spillover, International Business, Technology Policy

Abstract

Foreign direct investment has been known as one of the most effective tools for financing and technology transfer and so there is a huge competition for attracting multinational companies among developing countries. However, the current situation indicates that the positive effects of FDI do not automatically occur. To enhance the productivity and development of domestic technology capabilities, FDI policies should be aligned with national industrial policies. A continuous and targeted engagement between multinational corporations and the manufacturing and learning systems of host country are essential.

In this paper, while exploring recent literature of FDI, main FDI theories that explain why it takes place are discussed. Some new theoretical approaches state that foreign investment not only serves the purpose of exploiting technological capabilities in other countries, but also serves as an important tool for developing the technological capabilities of foreign investors; so developing countries try to attract more share from this kind of FDI which sets wider linkages with their innovation system. Also, internationalization policies (Outward FDI) has recently received more attention from developing countries.

* Corresponding author: saremi@tsi.ir

سیاست‌های هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه فناوری

محمدصادق صارمی^{۱*}، امیر ذاکری^۲

۱- پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران

۲- استادیار دانشکده مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران

چکیده

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک ابزار کارآمد برای تأمین منابع مالی و انتقال فناوری شناخته شده و رقابت زیادی برای جذب شرکت‌های چندملیتی در کشورهای در حال توسعه ایجاد شده است. اما تجارب کشورهای در حال توسعه، نشانگر آن است که تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد و برای ارتقاء بهره‌وری و توسعه توانمندی‌های فناورانه داخلی، هماهنگی سیاست‌های FDI و سیاست توسعه صنعتی از طریق تعامل هدفمند مستمر و پرتراکم میان شرکت‌های چندملیتی و نظام‌های تولیدی و یادگیری نوآوری کشور میزبان ضروری است. در این مقاله ضمن بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تحولات اخیر آن، نظریات مهم FDI که توضیح می‌دهند چرا بنگاه‌ها دست به FDI می‌زنند مورد بحث قرار می‌گیرد. برخی رویکردهای نظری جدید بیان می‌دارد که سرمایه‌گذاری خارجی نه فقط به منظور بهره‌برداری از توانمندی‌های فناورانه در دیگر کشورها بلکه به عنوان یک ابزار مهم توسعه توانمندی‌های فناورانه شرکت‌های سرمایه‌گذار عمل می‌کند. لذا کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کنند سهم بیشتری از این نوع FDI که پیوندهای وسیع‌تری با بازیگران نظام نوآوری آنها برقرار کنند را جذب نمایند. همچنین حمایت از بین‌المللی شدن شرکت‌ها (و به بیان دیگر صدور سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) در کنار سیاست‌های جذب FDI بیشتر مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. در انتها نیز یکی از نمونه‌های مهم FDI طی سال‌های اخیر در کشور (شرکت ایرانسل) از منظر سیاست‌های مرتبط با توسعه توانمندی‌های فناورانه از طریق سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرریز فناوری، کسب و کار بین‌الملل، سیاست فناوری

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Saremi, M. S., & Zakery, A. (2019). Policies for Enhancing Foreign Direct Investment Toward Technology Development. *Journal of Science & Technology Policy*, 11(2), 395-410. {In Persian}.

۱- مقدمه

تأثیر مثبت شرکت‌های چندملیتی در رشد بهره‌وری اقتصادهای محلی حکایت می‌کند. این شرکت‌ها از کانال‌های اصلی انتقال دانش به کشورهای در حال توسعه محسوب شده و محرک رشد هستند و دولت‌ها سیاست‌های تشویقی برای جذب آنها به کار می‌گیرند. شرکت‌های محلی می‌توانند از رقابت خارجی خود یاد بگیرند [۲]، همچنین با ورود شرکت‌های خارجی رقابت افزایش یافته و واقع‌شدن در یک محیط رقابتی، انگیزه شرکت‌های محلی را برای رشد و نوآوری افزایش می‌دهد [۳].

جهانی‌سازی توأم با گسترش نفوذ شرکت‌های چندملیتی در تجارت و کسب و کار جهانی، موافقان و مخالفان بسیاری دارد. از یک سو شرکت‌های بزرگ چندملیتی در ذهن بخش عمده‌ای از مردمان کشورهای در حال توسعه به عنوان استعمارگرانی شناخته می‌شوند که از قدرت مالی و مزیت فناورانه خود استفاده کرده و به غارت منابع و بازار کشورهای دیگر می‌پردازند [۱]. از سوی دیگر تجارب بعضی کشورها از

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: saremi@tsi.ir

عناصر تشکیل‌دهنده FDI را می‌توان شامل سه جزء اصلی دانست: (۱) سهم آورده شرکت سرمایه‌گذار در آغاز، (۲) وام درون شرکتی که معمولاً توسط شرکت‌های چندملیتی به شرکت‌های محلی یا شعب تخصیص داده می‌شود و (۳) درآمدهای حاصل از فعالیت شرکت محلی که مجدداً برای توسعه فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری شود. برخی مطالعات نشان می‌دهد سهم اجزاء اول و دوم رو به کاهش و سهم جزء سوم رو به افزایش است [۵]؛ به بیان دیگر کشورهای میزبان تلاش می‌کنند تا با ابزارهای در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی را متمایل و متقاعد کنند درآمدهای حاصله را مجدداً در کشور میزبان سرمایه‌گذاری کنند.

از منظر روش ورود، FDI به دو روش قابل تقسیم است: (۱) وقتی که سرمایه‌گذاری منجر به ایجاد یک بنگاه کاملاً جدید می‌شود (روش بکر^۳)؛ (۲) وقتی که سرمایه‌گذاری در یک بنگاه موجود از طریق تملک و یا سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت(های) بومی صورت می‌گیرد (روش سوخته^۴). در کشورهای صنعتی شاهد سهم مشابه میان سرمایه‌گذاری جدید و بکر در مقایسه با روش ادغام و تملک هستیم؛ اما در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، روش اول است که غلبه دارد [۶] برخی محققین معتقدند این کشورها دچار ضعف در زیرساخت‌های قانونی جهت تسهیل سرمایه‌گذاری به روش ادغام و تملک هستند؛ مواردی همچون روال‌های حقوقی شفاف برای انتقال تعهدات شرکت‌ها، حل و فصل اختلافات و مسائل کارگری.

از منظر انواع قراردادهای FDI می‌توان به سرمایه‌گذاری مشترک در سهام^۵، سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی مانند مشارکت مدنی، بیع متقابل و خانواده روش‌های BOT^۶ و همچنین بنگاه‌های با مالکیت تام خارجی اشاره کرد. در واقع تمام روش‌هایی که در آن بازگشت اصل و سود سرمایه‌گذار خارجی تضمین نمی‌شود و ریسک بازگشت به عهده سرمایه‌گذار خارجی است را می‌توان از روش‌های قرضی و فاینانس خارجی جدا کرده و تحت عنوان FDI طبقه بندی نمود. البته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سرمایه‌گذاری پورترفولیو در بازارهای مالی و سرمایه از منظر نفوذ در مدیریت

در سال‌های اخیر ورود شرکت‌های بزرگ و چندملیتی به کشورهای در حال توسعه، محدود به بخش تولید نمانده و این شرکت‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیق و توسعه و صنایع با فناوری پیشرفته نیز نموده‌اند. در این زمینه نه تنها این شرکت‌ها به صورت غیرمستقیم و از طریق سرریز دانش و انتقال فناوری و یا افزایش انگیزه شرکت‌های محلی به نوآوری اقدام به ارتقاء سطح فناوری در کشورهای در حال توسعه کرده‌اند، بلکه خود به طور مستقیم اقدام به توسعه فناوری‌های نوین در کشورهای میزبان نموده‌اند. در این مقاله، ضمن بررسی چیستی و آثار و پیامدهای FDI، با تمرکز بر موضوع رشد فناورانه کشورهای در حال توسعه به سه سؤال زیر پاسخ داده می‌شود:

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چگونه می‌تواند هم‌راستا با سیاست‌های صنعتی و فناوری این کشورها عمل کند؟
- سیاست‌های مؤثر این کشورها در جذب FDI به ویژه در تحقیق و توسعه و فناوری‌های پیشرفته چیست؟
- بین‌المللی شدن شرکت‌های برخاسته از این کشورها چگونه می‌تواند مکمل جذب FDI باشد؟

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تحولات اخیر آن

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را عموماً این گونه تعریف می‌کنند: "سرمایه‌گذاری که با هدف اکتساب سود ماندگار از سوی بنگاه‌هایی صورت می‌گیرد که در خارج از اقتصاد (کشور) سرمایه‌گذار فعالیت می‌کنند" [۴]. این نوع سرمایه‌گذاری با اهداف بلندمدت صورت می‌گیرد و مستلزم تأثیرگذاری در راهبردها و تصمیمات مدیریتی بنگاه محل سرمایه‌گذاری است. لذا به صورت یک قاعده ساده معمولاً اخذ حداقل مالکیت سهام ده درصد در مدیریت بنگاه، به عنوان ممیزه اصلی آن از سرمایه‌گذاری از طریق بازار سهام (تشکیل سبد سهام) در نظر گرفته می‌شود. همواره در مباحث FDI، از شرکت‌های چندملیتی^۱ نیز به عنوان یکی از بازیگران اصلی که از طریق ایجاد شرکت‌های خارجی وابسته (شعب)^۲ و یا در برخی موارد مشارکت با شرکت‌های محلی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، نام برده می‌شود.

3- Greenfield
4- Brown-field
5- Equity joint venture
6- Build-operate-transfer

1- Multinational corporations (MNCs)
2- affiliates

بنگاه متفاوت است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چند دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته، به نحوی که در ۴۰ سال گذشته نزدیک به ۴۰ برابر شده و لذا سبب اهمیت ویژه این موضوع در اقتصاد و تجارت جهانی شده است. این رشد طی چهار سیکل اتفاق افتاده و از حدود ۵۰ میلیارد دلار در فراز اول در دهه ۱۹۸۰، به ۱/۹ تریلیون دلار در فراز آخر در ۲۰۰۷ رسیده است. البته بررسی آمارهای یک دهه اخیر پس از بحران مالی و افت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد مجموع کل FDI سالانه نتوانسته است تا کنون به سقف پیش از بحران مالی برسد. مجموع سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته در سال ۲۰۱۷ معادل ۱۴۳۰ میلیارد دلار است که با ۲۳ درصد کاهش نسبت به سال قبل مواجه بوده و مانند سال قبل عددی پائین‌تر از متوسط ده سال گذشته داشته است، در حالی که ارقام مربوط به مجموع تجارت جهانی و رشد ناخالص داخلی نشان دهنده افزایش مداوم است [۵]. البته عمده این کاهش، مربوط به سرمایه‌گذاری جذب شده توسط کشورهای توسعه‌یافته است که جذب کننده نیمی از کل FDI هستند و عدد مربوط به کشورهای در حال توسعه تقریباً ثابت مانده است. همچنین لازم به توجه است که FDI همچنان در صدر روش‌های تأمین منابع مالی خارجی برای کشورهای در حال توسعه قرار دارد؛ ۳۹ درصد کل منابع خارجی جذب شده توسط این کشورها از این روش جذب می‌شود. منابع مالی ارسالی مهاجرین به موطن خود، جذب سرمایه در بازار بورس و دریافت کمک‌های توسعه‌ای رسمی در رده‌های بعدی جذب منبع مالی قرار دارند. بر اساس گزارش‌هایی که سالانه توسط سازمان کنفرانس توسعه ملل متحد (آنکتاد) منتشر می‌شود، در سال‌های اخیر آمریکا در صدر هر دو فهرست کشورهای مبداء و مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. پس از آمریکا، چین، هنگ‌کنگ، برزیل، سنگاپور، هلند، فرانسه، استرالیا، سوئیس و هند به ترتیب در صدر فهرست کشورهای مقصد و ژاپن، چین، انگلیس، هنگ‌کنگ، آلمان، کانادا، فرانسه، لوگزامبورگ و اسپانیا در صدر فهرست کشورهای مبداء قرار دارند.

دولت‌ها سیاست‌های بسیار متنوعی را در حوزه جذب FDI به کار می‌گیرند [۵]. در میان سیاست‌های استفاده شده، غلبه با

سیاست‌های آزادسازی/تشویقی مانند کاهش مقررات ورود در صنایعی همچون حمل و نقل، انرژی و تولید و همچنین تسهیل روال‌های اجرایی، تعریف مشوق‌ها و برپایی مناطق ویژه اقتصادی است. با این حال، همچنان طیفی از سیاست‌ها برای محدودسازی/قاعده‌گذاری FDI استفاده می‌شود. این سیاست‌ها عمدتاً در حوزه امنیت ملی و تملک زمین و منابع طبیعی توسط خارجی‌ها، نظارت دقیق‌تر بر تملک شرکت‌های فناورانه و دارای منابع راهبردی و شدیدتر کردن رویه‌های پایش سرمایه‌گذاری اعمال می‌شود.

بررسی‌های آنکتاد نشان می‌دهد در یک دهه گذشته بیش از ۱۰۱ اقتصاد مختلف دارنده حدود ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی دنیا، راهبردهای رسمی توسعه صنعتی در پیش گرفته‌اند. اکثر این برنامه‌ها حاوی ابزارهای سیاستی تفصیلی در حوزه سرمایه‌گذاری هستند؛ مانند مشوق‌ها و الزامات عملکردی، مناطق ویژه اقتصادی، جذب و تسهیل سرمایه‌گذاری و به طور فزاینده‌ای سازوکارهای پایش سرمایه‌گذاری. لذا سیاست‌های سرمایه‌گذاری و به طور خاص FDI در قلب سیاست‌های صنعتی کشورها جای دارد. علاوه بر اینکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست‌های تسهیل سرمایه‌گذاری را به عنوان سیاست‌های افقی اجرا می‌کنند، دو سوم آژانس‌های تشویق سرمایه‌گذاری در این کشورها، بر اساس سیاست‌های صنعتی کشورشان حوزه‌های معینی را برای تشویق سرمایه‌گذاری هدف‌گیری می‌کنند و سه چهارم آنها برنامه‌های ویژه‌ای برای ارتقاء سطح فناوری در صنعت به عهده دارند. لذا انسجام و هم‌افزایی سیاست‌های سرمایه‌گذاری و سیاست‌های صنعتی، مستلزم توجه راهبردی و بلندمدت به برنامه‌های جذب سرمایه‌گذاری از جمله FDI است.

۳- نظریات تبیین‌کننده عوامل و انگیزه‌های

سرمایه‌گذاری خارجی

تبیین عوامل و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی و چگونگی و چرایی حرکت عوامل تولید در میان اقتصادها و بویژه رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی یکی از موضوعات مهمی است که در پیشینه اقتصاد و کسب‌وکار بین‌الملل مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه نگاهی گذرا به مهم‌ترین نظریات توضیح‌دهنده FDI خواهیم داشت.

می‌شود تا آنها را از هزینه‌های متعدد یافتن، توافق و همکاری با شرکت‌های مستقل بیرونی معاف کند. البته این فرضیه‌ها در مورد اینکه چرا یک شرکت بین دو کشور، یکی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کند، توضیحی نمی‌دهد. به همین سبب، نظریه دانینگ^۱ که در واقع ترکیب چند نظریه در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، تمایل یک شرکت برای شروع سرمایه‌گذاری خارجی را به برقراری سه شرط (۱) توانمندی‌ها و دارایی‌های شرکت مبداء، (۲) مزیت‌های مکانی کشور مقصد و (۳) اتخاذ رویکرد درونی‌سازی و توسعه درون‌شرکتی مرتبط می‌سازد [۷].

نظریه چرخه عمر محصول ورنون^۲ بیان می‌دارد که بعد از ظهور یک محصول جدید (عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته)، تا مدتی بازار انحصاری در کشور مبداء وجود دارد، اما هنگامی که تولیدکننده با ظهور رقبای جدید داخلی مواجه می‌شوند، برای حفظ بازار خود و کاهش رقابت رو به بازارهای بین‌المللی می‌آورند [۸]. همچنین در نظریه‌های راهبرد به هم‌پیوستگی اجتناب‌ناپذیر، به بنگاه‌های فعال در بازارهای انحصار ناقص اشاره شده و بیان می‌دارد در صورتی که شرکتی اقدام به سرمایه‌گذاری در کشور دیگری نماید بنگاه‌های رقیب به این حرکات عکس‌العمل نشان می‌دهند و اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دیگر می‌کنند تا موقعیت خود را در بازار از دست ندهند. همین‌طور عامل دیگری که در FDI تأثیر گذار است، ارتباط دولت‌ها و مزایا و نیز فرآیند مذاکره بین‌المللی به خصوص در پروژه‌های راهبردی و قراردادهای کلان سرمایه‌گذاری خارجی است. در واقع، در بسیاری مواقع انگیزه‌های سیاسی و نیز قدرت چانه‌زنی طرفین تعیین‌کننده نحوه و چگونگی FDI هست.

دانینگ مدلی را در مورد رفتار شرکت‌های چندملیتی بر اساس سطوح توسعه مطرح کرده که بر اساس آن، سطوح مختلف توسعه، انگیزه‌های متفاوتی برای حضور شرکت چندملیتی ایجاد می‌کنند و هم‌زمان با پیشرفت کشور در مراحل مختلف توسعه ساختار اقتصادی کشور تغییر یافته و مزیت‌های مکانی و مزیت‌های مالکیتی افزایش می‌یابد. در واقع دسترسی به منابع اولیه و طبیعی ارزان‌قیمت، شکل‌گیری بازار و

نظریه موانع تجارت بر مبنای نظریه مزیت نسبی به عنوان یکی از اولین فرضیه‌ها در خصوص توضیح سرمایه‌گذاری خارجی مطرح شده است. این دیدگاه پایه نظریه‌های تجارت جهانی است و بیان می‌دارد که کشورها تمایل دارند تا در تولید محصولات و خدماتی متخصص شوند که از بیشترین منابع آنها بهره‌مند می‌شود. این کشورها بعد از متخصص شدن و توسعه مقیاس و قلمرو ارسال محصولات خود به بازارهای مختلف، به علت برخورد به موانع تجارت به FDI روی می‌آورند. البته این نظریه فقط می‌تواند سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین واردات را توضیح دهد.

فرضیه نرخ بازگشت و فرضیه متنوع سازی پورتنفو (سبد) سرمایه‌گذاری‌ها از دیدگاه مالی و اقتصادی به توضیح FDI به صورت جریان پیدا کردن سرمایه خارجی به سمت پروژه‌ها و نقاط دارای بازده مالی جذاب و هم‌زمان متنوع‌سازی سرمایه‌گذاری‌ها برای مدیریت ریسک آنها می‌پردازد. فرضیه آریترائز به معنی استفاده از تفاوت در قدرت پول در کشورهای مختلف برای کاهش هزینه و افزایش سود شرکت‌های چندملیتی که در کشورهای مختلف فعالیت دارند، FDI را توضیح می‌دهد. البته این فرضیه بعدها به شکل کامل‌تر به بهره‌برداری شرکت‌های چندملیتی از چهار نوع مختلف از تفاوت موجود میان مناطق در قالب چارچوب CAGE (تفاوت‌های فرهنگی، اداری-قانونی، جغرافیایی و اقتصادی) می‌پردازد. این رویکردها نواقصی دارند و مثلاً سرمایه‌گذاری متقابل بین کشورها در فرضیه نرخ بازگشت و همچنین تمرکز FDI در یک صنعت خاص در فرضیه آریترائز به خوبی قابل توضیح نیست.

نظریه سازمان صنعتی هایمر و نظریه درونی‌سازی یا هزینه مبادله که همگی در سطح شرکت و برای تبیین راهبردهای شرکت طراحی شده‌اند، بیان می‌کنند که تصمیم شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در کشور دیگر، یک راهبرد برای حفاظت از دارایی‌های و توانمندی‌های آنها در کشورهای محل فعالیت است. در نظریه هایمر، یک سازمان صنعتی برای بهره‌برداری از دارایی‌های انحصاری خود که نوعاً از جنس دارایی ناملموس نیز هستند، دست به سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف می‌زند؛ در نظریه هزینه مبادله، بازار درونی و روابط درون شرکت‌ها به عنوان جایگزینی برای روابط بازار در نظر گرفته

1- Dunning
2- Vernon

در واقع بخش مهمی از جهانی‌شدن تحقیق و توسعه به گسترش انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه توسط شرکت‌های چندملیتی در خارج از مرزهای کشور مبداء برمی‌گردد که تا اواخر دهه ۱۹۹۰، فعالیت‌های نوآورانه خود را به صورت سنتی فقط در کشور مبداء انجام می‌دادند. در سال ۲۰۰۶ حدود ۶۵٪ شرکت‌های چندملیتی به تحقیق و توسعه بین‌المللی مشغول بودند که این رقم به ۸۴٪ در سال ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرده است. دلایل مختلفی برای اقدام به انجام تحقیق و توسعه در خارج از مرزها وجود دارد: همچنین باید در نظر گرفت این نوع سرمایه‌گذاری از منظر حوزه تأثیر متفاوت است در جدول ۱ به مرور انگیزه‌ها و عوامل مختلف پرداخته شده است [۱۳].

۴- آثار و پیامدهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سه رویکرد اصلی در خصوص آثار FDI وجود دارد: نخست رویکرد مثبت اقتصاد توسعه بر اساس رویکردهای نئوکلاسیک. دوم، رویکرد منفی مبتنی بر نگاه استعمارگرانه به FDI بر اساس اقتصاد ساختارگرایی و در نهایت رویکرد بینابین و عملگرایی که با پذیرش نقاط ضعف و مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سعی در طراحی سیاست‌های هوشمند به

بهره‌برداری از بازار داخلی، شکل‌گیری زنجیره‌های تأمین و توجه به کارایی و وجود دارایی‌های راهبردی دلایل اصلی سرمایه‌گذاری خارجی است که با توجه به سطح توسعه کشورها دلایل و انگیزه‌های شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری تغییر می‌یابد. به این نحو که این انگیزه‌ها از دسترسی به منابع اولیه و طبیعی ارزان‌قیمت (در اقتصادهای مبتنی بر بخش‌های اولیه مانند معادن و کشاورزی) به سمت ایجاد دارایی‌های راهبردی ارتقاء می‌یابد [۹].

بر اساس مدل دانینگ اساس سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های چندملیتی در تحقیق و توسعه و فناوری‌های پیشرفته به کشورهای توسعه‌یافته محدود می‌شود اما شواهد موجود نشان می‌دهد فرآیند تحقیق و توسعه در دنیا جهانی شده و به چندقطبی شدن تحقیق و توسعه نیز انجامیده است [۱۰]. در واقع کشورهای در حال توسعه به منبع و مقصد تحقیق و توسعه جهانی تبدیل شده‌اند و دیگر این موضوع منحصر به کشورهای توسعه‌یافته نیست [۱۱]. تحقیق و توسعه در واقع گسترش طبیعی فعالیت‌های بازاریابی و تولیدی شرکت‌های تابعه در کشور مقصد هست که با گذر زمان و تقویت شرکت تابعه به صورت طبیعی انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه آغاز می‌شود [۱۲].

جدول ۱) انگیزه‌های شرکت‌های چندملیتی برای تحقیق و توسعه بین‌المللی

ردیف	نوع سرمایه‌گذاری	انگیزه‌های راهبردی شرکت چندملیتی	عوامل مکانی مؤثر	محدوده و میزان تأثیر
۱	- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به خاطر تقاضا ^۱	- بهره‌برداری از دانش موجود شرکت چندملیتی در انطباق فرآیندها، خدمات و محصولات برای بازارهای خارجی	- بازار بزرگ و پویا - هم‌مکانی تولید و تحقیق و توسعه	- محدوده محلی - به صورت زیادی به ادامه فعالیت‌های تولید وابسته است
۲	- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه ^۲ به خاطر عرضه	- افزایش دانش - استفاده از دانش موجود در خارج از کشور	- کیفیت دانشگاه‌های محلی، سرمایه انسانی، وجود خوشه‌های صنعتی، زیرساخت‌های تحقیقاتی	- دامنه جهانی - وابسته به سطح دانش محلی، قابلیت زیادی برای ایجاد ارتباطات دارد
۳	- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به خاطر کارایی ^۳	- کاهش هزینه	- استاندارد بودن فعالیت‌های تحقیق و توسعه	- دامنه جهانی و محلی - امکان از دست دادن مزیت‌ها
۴	- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به خاطر قدرت چانه‌زنی افراد خاص	- استفاده از دانشمندان درجه یک	- عوامل انسانی و عاطفی	- کاملاً وابسته به دانشمند مورد نظر و قدرت چانه‌زنی شخص است

1- Demand Driven
2- Supply Driven
3- Efficiency Seeking

می‌تواند برای نیروی تحصیل‌کرده و متخصص ایجاد شغل کند. البته FDI از طریق بستن تسهیلات تولیدی موجود می‌تواند باعث کاهش سطح اشتغال شود. کسب‌وکارهای سنتی و نیروی انسانی بر در معرض بیشترین تهدید هستند. همین‌طور این سرمایه‌گذاری باعث تشدید فاصله طبقاتی از طریق عرضه فرصت‌های شغلی کمتر و با درآمد بالاتر می‌شود.

از یک منظر دیگر، FDI می‌تواند جایگزین واردات شود و یا ابزار توسعه صادرات باشد. شرکت‌های فراملی می‌توانند فناوری لازم جهت تولید محصولات باکیفیت، دسترسی به بازارهای صادراتی و برند را با خود به کشور میزبان بیاورند. اما واردات محصولات واسطه‌ای از کشور اصلی را زیاد کرده و از این جهت موجب افزایش واردات کشور می‌شوند. تجارب کشورهای امریکای لاتین، آفریقا و آسیا نشان داده که سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین واردات نتوانسته منجر به توسعه اقتصادی شود، اما FDI با هدف توسعه صادرات و با اعمال هم‌زمان توسعه سیاست‌های صنعتی به جهش صنعتی منجر شده است.

از دیگر منافع سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود زیرساخت‌های بازارهای مالی است. شرکت‌های خارجی از طریق تقاضا برای استانداردهای حسابداری باکیفیت، ایجاد تقاضا برای ابزارها و خدمات مالی متنوع، قوانین و مقررات مناسب و نیروهای واجد شرایط و قابل‌اعتماد، به بهبود زیرساخت‌های مالی کمک می‌کنند. شرکت‌های خارجی به خاطر اعتبار بالاتر می‌توانند در رقابت با شرکت‌های داخلی در کسب منابع بانکی موفق‌تر عمل کنند.

بعضی شرکت‌های چندملیتی در چارچوب مسئولیت اجتماعی اقدام به اجرای طرح‌هایی می‌نمایند که به محیط پیرامون از جمله محیط‌زیست کمک کنند اما در عین حال می‌توانند به سبب بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی به محیط پیرامونی - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - آسیب برسانند. به عبارت دیگر، یکی از دلایل انتخاب کشورهای در حال توسعه توسط شرکت‌های چندملیتی این است که الزامات زیست‌محیطی این کشورها ساده‌تر است.

بین تشخیص اولویت‌ها در جذب FDI یک بده بستان وجود دارد و سیاست‌گذاران می‌بایست بین اهداف کوتاه مدت با بلند مدت و نیز اهداف بخشی با اهداف فرابخشی دست به انتخاب

منظور حداکثرسازی منافع دارد. باید توجه داشت تأثیرات FDI در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری قابل ملاحظه است و با رویکردهای مختلفی به آن پرداخته شده است. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند بر روی بهره‌وری تأثیر بگذارد. شرکت‌های فراملی عموماً از فناوری بالاتر و نیروی کار باکیفیت‌تر برخوردارند و با دقت نظر بیشتر دست به سرمایه‌گذاری می‌زنند، در نتیجه، بازدهی بالاتری داشته‌اند. پس در یک رقابت عادلانه تولیدکنندگان داخلی، تولیدکنندگان کارآمد جانشین تولیدکنندگان ناکارآمد می‌شوند و بهره‌وری کل افزایش پیدا خواهد کرد.

همچنین FDI بر تأمین سرمایه و ارز مؤثر است. ورود یک شرکت خارجی علاوه بر سرمایه خود شرکت باعث ورود شرکت‌های دیگر می‌شود. حداقل در کوتاه‌مدت، سرمایه خارجی می‌تواند شکاف ارز خارجی و شکاف پس‌انداز را برطرف نماید و همچنین با حضور سرمایه‌گذار خارجی، شفافیت بازار مالی افزایش پیدا خواهد کرد. وقتی بنگاه‌های خارجی به انتقال سود به کشور مبدا، دست می‌زنند، انتقال سرمایه و ارز گریزی از کشور میزبان صورت می‌گیرد.

سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در ثبات اقتصادی نیز مؤثر باشد. ایجاد پیوند و ارتباط بین کشور میزبان و اقتصاد بین‌المللی موجب گره خوردن منافع و به سبب آن افزایش موقعیت رقابتی یک کشور در بازارهای بین‌المللی و امنیت اقتصادی می‌شود. اما سرمایه خارجی، فرار بوده و در صورت بروز بحران و یا با مقاصد سیاسی از کشور به سرعت خارج می‌شود و باعث تشدید نابسامانی خواهد شد. تجربه سقوط بازارهای مالی شرق آسیا و خروج سرمایه‌گذاران خارجی از این بازارها در این خصوص روشن است. همچنین سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند بر سیاست‌های داخلی (حاکمیت) کشور میزبان تأثیر بگذارند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق راه‌اندازی تأسیسات و امکانات جدید (به طور مستقیم) یا از طریق اشتغال در شبکه‌های توزیع (به طور غیرمستقیم) باعث افزایش اشتغال می‌شود. همین‌طور از طریق اکتساب و ساختاردهی مجدد برخی شرکت‌هایی که وضعیت نامساعدی دارند، می‌تواند به حفظ اشتغال کمک کند. سرمایه‌گذاری خارجی در صورتی که در بخش‌های فناوری محور و سرمایه بر صورت پذیرد،

طریق سرریز فناوری به شرکت‌های محلی باعث ارتقاء فناوری کشورهای میزبان شوند. راه‌های سرریز فناوری به چهار دسته تقسیم می‌شود: [۱۴-۱۷]

اول از طریق ارائه آخرین مظاهر فناوری توسط شرکت‌های چندملیتی به کشورهای میزبان است که در صورت عدم سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت خارجی دسترسی مؤسسات داخلی به اطلاعات و فناوری‌های نو، مشکل و پرهزینه‌تر است. در این شرایط شرکت‌های داخلی می‌توانند با استفاده از تقلید و یا مهندسی معکوس، به فناوری ساخت محصول، دسترسی یابند.

دوم، ورود شرکت‌های خارجی منجر به رقابت بیشتر بین صنایع محلی شده و شرکت‌های محلی مجبور به استفاده کارتر از فناوری‌ها و منابع موجود و خلق فناوری‌های جدید می‌شوند. همچنین در فضای رقابتی آموزش، به‌روز بودن و تعمیق دانش نیروی کار از اهمیت بسزایی برخوردار است و شرکت‌های محلی و خارجی کارکنان خود را جهت افزایش کیفیت محصول و خدمات آموزش می‌دهند. البته زمانی که شرکت‌های محلی کارایی لازم برای رقابت با شرکت‌های

بزنند. اگر FDI با اولویت اشتغال صورت پذیرد می‌تواند منجر به ورود فناوری پائین و کاهش بهره‌وری شود؛ همین‌طور اگر با هدف بازارهای مصرف داخلی و به خصوص در بخش‌های غیرقابل مبادله مانند مسکن و مخابرات باشد باعث ایجاد توان رقابتی در کشور پذیرنده نخواهد شد.

در جدول ۲ با توجه به آثار و پیامدهای اشاره شده در این بخش، ملاحظات سیاست‌گذاری پیشنهادی در ارتباط با هر مورد ارائه شده است.

۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ابزار توسعه توانمندی‌های فناورانه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند به ایجاد و تقویت توانمندی‌های فناورانه کمک کند. نخست شرکت‌های خارجی خود به صورت مستقیم فناوری روز دنیا را در قالب ماشین‌آلات، تجهیزات و دانش مدیریتی وارد کشور میزبان کند و از این جهت یک راه میان‌بر برای توسعه توانمندی فناورانه باشد. همچنین شرکت‌های خارجی می‌توانند به صورت غیرمستقیم و از

جدول ۲) اثرات مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیاست‌های پیشنهادی

تأثیر FDI	سیاست‌های پیشنهادی مرتبط
بهره‌وری	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور صادرات با استانداردهای بالا، راه‌اندازی کارخانه‌ها با فناوری بالا و باهدف صرفه‌جویی در مقیاس، وجود فضای رقابتی و نبود موانع تجاری و وجود فضای کسب‌وکار مناسب، ترویج و انتشار فناوری روز شرکت‌های خارجی در جامعه
تأمین سرمایه و ارز	بهبود تراز پرداخت‌ها و ارزآوری در دو حالت صورت می‌پذیرد که باید مورد تأکید سیاست‌گذار باشد: اول وقتی سود حاصله از فعالیت تجاری در کشور میزبان باقی بماند و دوم حالتی که فرآورده‌های شرکت تأسیس شده از کشور میزبان صادر شود.
ثبات اقتصادی	وجود قوانین و مقررات مناسب به منظور تعریف منافع بلندمدت و جلوگیری از خروج ناگهانی سرمایه، خرید شرکت‌های داخلی و انحصار
اشتغال	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید صادرات محور باشد و نه باهدف جایگزینی شرکت‌های موجود. سیاست‌های حمایتی برای شغل‌هایی که عمدتاً بهره‌وری پائین دارند و در رقابت نابود می‌شوند
تجارت	از پیچیده‌ترین مسائل مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست‌گذاری مرتبط با توسعه صادرات یا افزایش واردات و در نهایت گسترش تجارت است. سیاست‌گذاری با در نظر گرفتن حجم مبادلات نباید به نحوی باشد که با در نظر گرفتن کالاهای مرتبط و ارزش مادی آن به افزایش وابستگی تجاری کشور و کاهش صادرات کل منجر شود
ساختار بازار	OECD به منظور جلوگیری از ایجاد انحصار، در این زمینه الزاماتی را برای شرکت‌های چندملیتی تعیین کرده است، از جمله: فعالیت منطبق با قوانین رقابت محلی و ممانعت از انعقاد توافق‌نامه‌های ضد رقابتی نظیر تثبیت قیمت
بازارهای مالی	شرکت‌های کوچک باید تحت حمایت مؤسسات مالی قرار گیرند تا در رقابت با شرکت‌های خارجی و شرکت‌های بزرگ به صورت کامل حذف نشوند
محیط زیست	OECD به منظور کاهش زیان‌های محیطی ناشی از فعالیت شرکت‌های چندملیتی، آنها را ملزم به اقداماتی از جمله ارائه اطلاعاتی در مورد تأثیرات مستقیم زیست محیطی، داشتن برنامه‌های اقتضایی برای جلوگیری، کاهش و کنترل آسیب‌های محیطی کرده است.

صنعتی^۶ دارد [۱۸].

پژوهشگران تمرکز فعالیت‌های صنعتی مرتبط را که به علت وجود شرکت‌های خارجی به وجود آمده و منجر به شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی می‌شود، از دیگر سرریزهای FDI می‌دانند و معتقدند که این امر سبب تشویق بیشتر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش بیشتر یادگیری فناورانه است [۱۹].

چهارمین عامل، گردش نیروی کار است. وقتی شرکت‌های تابعه خارجی به دلیل پائین‌تر بودن دستمزد کارکنان محلی یا الزامات قانونی کشور میزبان ترجیح می‌دهند از نیروی کار محلی استفاده نمایند این فرصت برای کارکنان محلی فراهم می‌شود که به دانش پنهان در مؤسسات خارجی دسترسی پیدا کنند. در صورت بازگشت این نیروی آموزش‌دیده به مؤسسات و صنایع داخلی و استفاده از مهارت‌های کسب‌شده سرریز فناوری اتفاق می‌افتد (جدول ۳).

۶- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیاست فناوری در کشورهای در حال توسعه

هر چند FDI می‌تواند ابزاری برای دستیابی به توانمندی فناورانه باشد، در یک نگاه کلان‌تر لازم است به جایگاه آن در سیاست صنعتی و فناوری کشورها توجه شود. بررسی تعامل سیاست‌های فناوری با FDI یکی از رویکردهایی است که در تحقیقات و مطالعات اقتصادی و فناوری بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاددان معروف توسعه سانجایا لال^۷ با برجسته کردن تنوع موجود در تجربه کشورهای در حال

خارجی را نداشته باشند. اثر رقابتی می‌تواند برای کشور میزبان مضر باشد. در چنین مواردی، شرکت‌های محلی از بازار حذف و قدرت انحصاری از انحصار محلی به انحصارگر خارجی منتقل خواهد شد.

عامل سوم شامل تأثیر ارتباطی با شرکت‌های خارجی است، این تأثیر شامل سرریزهای ناشی از ارتباطات پسینی و پیشینی است و زمانی روی می‌دهد که شرکت‌های خارجی به برقراری ارتباط با تأمین‌کنندگان و مشتریان داخلی می‌پردازند شرکت‌های چندملیتی می‌توانند کالاهای واسطه‌ای را از تأمین‌کنندگان محلی خریداری کنند. شرکت‌های خارجی با تأمین‌کنندگان محلی همکاری فنی داشته و آنها را آموزش می‌دهند یا آنها را در خرید مواد اولیه به منظور حفظ کیفیت کالاهای واسطه‌ای کمک می‌کنند. حتی در مواردی که چنین درگیری مستقیمی وجود نداشته باشد، تأمین‌کنندگان محلی مجبور به برآوردن تقاضا برای کیفیت بالاتر و تحویل به موقع و نوآوری بیشتر هستند. این تأثیر به ارتباطات پسینی^۱ معروف است. ارتباطات پسینی در اثر «نیازمندی‌های محلی»^۲ بدین معنی است که شرکت‌های خارجی باید درصد خاصی از ورودی‌های واسطه را از کشور میزبان خریداری نمایند. البته در بسیاری از کشورهای در حالی توسعه، تولیدکنندگان داخلی به دنبال خرید کالاهای واسطه‌ای از تأمین‌کنندگان خارجی بوده و شرکت‌های خارجی درصد فروش کالاها و خدمات به بنگاه‌های داخلی هستند (ارتباطات پیشینی^۳). دیمیلیس^۴ سرریزها را به دو نوع درون صنعتی^۵ و بین صنعتی تقسیم کرده است. «ارتباطات پسینی-پیشینی» اثری بین

جدول ۳) روش‌های تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه توانمندی‌های فناورانه

روش‌ها	مصادیق	
	کمتر توسعه یافته	توسعه یافته‌تر
روش‌های مستقیم	زیاد	کم
روش‌های غیرمستقیم (سرریز دانش)	کم	زیاد

- 1- backward linkages
- 2- Local content requirement
- 3- Forward linkage
- 4- Dimelis
- 5- intra-industry

6- inter-industry
7- Lall

توسعه (با تأکید بر اقتصادهای نوظهور شرق آسیا)، اهمیت سیاست فناوری در کشورهای موفق و البته تفاوت موجود در رویکرد آنها نسبت به پذیرش FDI را نشان داده است [۲۰]. وی با اشاره به تفاوت‌های موجود در بازار فناوری با بازارهای متداول از جمله در هزینه جستجو، ارزش‌گذاری فناوری، توزیع نامنقارن اطلاعات، نهاده‌های مکمل مورد نیاز و ماهیت دانشی (دانش ضمنی) فناوری، بر لزوم دخالت سیاستی دولت تأکید می‌کند که در منطقه جنوب شرق آسیا خود را به شکل‌های متنوع از سیاست درهای باز برای شرکت‌های چندملیتی تا اعمال محدودیت‌های زیاد در پذیرش FDI نشان داده است.

لزوم انتقال فناوری از شرکت‌های چندملیتی که سهم عمده‌ای در تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و نوآوری دارند، مورد اجماع محققین مختلف است. یک تقسیم‌بندی رایج از روش‌های انتقال فناوری شامل دو دسته روش‌های انتقال فناوری بیرونی شده^۱ و درونی شده^۲ است. انتقال فناوری با رویکرد درونی‌سازی نیاز به تلاش داخلی مستقل را کمتر می‌کند و این مزایا را دارد: دستیابی به فناوری روز، استفاده از برندهای معتبر برای ورود به بازارهای جهانی و امکان دستیابی به رقابت پذیری صادراتی از طریق صادرات تولیدات حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی. از مجموع تجارت میان شرکت‌های چندملیتی که سهم قابل توجهی در تجارت جهانی است، بیش از یک سوم آن درون این شرکت‌ها (میان شرکت‌های وابسته و شرکت مادر) صورت می‌گیرد [۲۱]. این شرکت‌ها زنجیره ارزش خود را در نقاط مختلف توزیع می‌کنند (خودرو و الکترونیک دو مثال از حوزه‌هایی که کشورهای در حال توسعه در زنجیره ارزش جهانی آن حضور دارند) و شرکت‌های وابسته به آنها به فناوری‌های به‌روز فنی و مدیریتی با حجم تولید انبوه دسترسی دارند.

رویکرد دیگر یعنی انتقال فناوری بیرونی شده، تلاش و ریسک بیشتری را بر عهده کشور دریافت کننده می‌گذارد. این رویکرد ممکن است امکان دستیابی به جدیدترین فناوری‌ها را ندهد، بخاطر نیاز به ایجاد توانمندی‌های بازار و کانال‌های صادراتی به بازارهای جهانی مشکل‌تر است، و در مواردی که

انتقال فناوری به طور مؤثر و با سرمایه‌گذاری ناکافی در ایجاد توانمندی‌های بومی مدیریت نشود، می‌تواند سبب ناکارایی‌های فنی، عقب ماندگی و در نتیجه عملکرد غیررقابتی شود. لال معتقد است دلایل منطقی برای توسعه توانمندی‌های بومی فناوری حداقل در کشورهای متوسط و بزرگ وجود دارد [۲۲]. شرکت‌های بومی که سهم عمده‌ای از اقتصاد کشور خود را دارند، می‌توانند با استفاده از فناوری خارجی، بخش‌های پیشرفته‌تر مانند طراحی، توسعه و تحقیق را درون خود توسعه دهند. هر چند که شرکت‌های چندملیتی مایل به متمرکز نگاه داشتن فناوری‌های جدید در اختیار خود و انتقال با سازوکارهای درون‌شرکتی از طریق تاسیس شعب هستند. به علاوه اینکه در دوره‌های اخیر، مداخلات دولتی (مانند حمایت‌ها، یارانه‌ها، قواعد ساخت داخل و محدودیت برای سرمایه‌گذاری خارجی) محدود شده و شرایط جهانی روش‌های بیرونی شده را گران‌تر و مخاطره‌آمیزتر نموده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چون مشارکت بلندمدت و درگیری منافع طرف خارجی را در پی دارد برای اکتساب فناوری در سطوح اولیه (فناوری‌های عملیاتی، مهارت‌های تکثیر و تطبیق) بسیار مناسب است؛ زیرا به ارتقاء کارایی فعالیت‌ها منجر می‌شود. ولی با حرکت کشور میزبان به سمت سطوح بالاتر فناوری، نوعی تعارض منافع میان منافع اقتصادی شرکت چندملیتی و منافع اجتماعی کشور میزبان رخ می‌دهد. کشور میزبان اگر توانسته باشد به طور مناسبی برای سرریز فناوری و توسعه ارتباطات متقابل میان شرکت وابسته با شرکت‌های بومی زمینه‌سازی کرده باشد، علاقمند به کاهش وابستگی شرکت‌های بومی به شرکت چندملیتی و حضور مستقل در بازارهای جهانی و تلاش برای پیدا کردن جایگاه رهبری در بازار است. در حالی که شرکت چندملیتی به حفظ مهارت‌های کلیدی نوآورانه در درون خود اصرار دارد، به سبب منافع مهمی از جمله سهولت هماهنگی، دسترسی آسان به مهارت‌ها، نزدیکی به بازارهای اصلی و دسترسی به زیرساخت‌های علم و فناوری استاندارد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تنظیم کننده دو عامل توانمندی‌های بومی و ساختارهای صادراتی نسبت به یکدیگر باشد. راهبرد ایجاد توانمندی‌های بومی مزایای بلندمدت زیادی دارد، ولی پرهزینه، زمانبر و توأم با ریسک است. در

1- Externalized
2- Internalized

نمی‌توان سیاست‌های کشورهای در حال توسعه در حوزه FDI را به صورت یک طرفه و در جهت جذب سرمایه‌گذاری از کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی قرار داد. امروزه بنگاه‌های متعدد برخاسته از کشورهای در حال توسعه به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور مبداء خود می‌پردازند و بنگاه‌های کوچک و متوسط بسیاری نیز با شبکه‌سازی و توسعه ارتباطات خود می‌توانند سریع‌تر از گذشته بین‌المللی شوند. لذا FDI دیگر محدود به شرکت‌های بزرگ و چندملیتی کشورهای توسعه‌یافته نیست و باید نقش کشورهای در حال توسعه و حتی شرکت‌های کوچک و متوسط را نیز در این حوزه لحاظ نمود.

در کنار مباحث FDI و شرکت‌های چندملیتی، حوزه کسب‌وکار بین‌الملل^۱ نیز از گذشته مورد توجه محققین و فعالین حرفه‌ای کسب‌وکار بوده است. بین‌المللی شدن را می‌توان فرآیند افزایش درگیری و مشارکت شرکت‌ها در عملیات بین‌المللی [۲۴] و یا فرآیند تطبیق عملیات شرکت‌ها بر محیط‌های بین‌الملل تعریف کرد [۲۵]. بین‌المللی شدن شامل ابعاد گسترده‌تری از صادرات محصولات و خدمات و یا سرمایه‌گذاری خارجی به تنهایی است و می‌تواند ناظر به مقیاس بین‌المللی پیدا کردن هر یک از ابعاد وجودی و فعالیت یک شرکت شامل منابع و قابلیت‌ها (نیروی انسانی، منابع مالی و ساختار سازمانی)، محصولات و بازاری که شرکت در آن فعال است و همچنین مدل عملیاتی شرکت باشد.

به تناسب نوع و سطح بین‌المللی شدن شرکت، شاخص‌هایی همچون ارزش و یا نسبت عملیات خارجی شرکت، تعداد کارکنان در خارج از کشور، نوع عملیات خارجی شرکت (فروش، تولید، تحقیق و توسعه، دفتر مرکزی)، تعداد بازارهایی که شرکت در آنها حضور دارد و میزان تمرکز بر هر بازار و وضعیت مالکیت شرکت می‌تواند هر یک به عنوان شاخصی از سطح بین‌المللی شدن شرکت مورد استفاده قرار گیرد. مفهوم بین‌المللی شدن در نتیجه برخی تحولات در عرصه کسب‌وکار مورد بازمینی و توسعه قرار گرفته است، تحولاتی همچون ظهور اینترنت، فناوری اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی، رشد بخش خدمات، ظهور کارخانه‌های جهانی و برجسته شدن کارآفرینی بین‌الملل.

طی زمان، همچنان که جریان نوآوری سرعت می‌گیرد و ساختارهای تولید بین‌المللی تغییر می‌یابد، نیاز به اتکاء به شرکت‌های چندملیتی بیشتر شده است. راهبرد وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی به کشورها اجازه می‌دهد صادرات و ساختارهای تولیدی خود را به سرعت ارتقاء دهند، ولی دچار مشکل پایداری خصوصاً در حرکت به سمت فعالیت‌های باارزش افزوده بیشتر است. همچنین ارتقاء فناوری‌های تولید محصولات در کشور میزبان، نیازمند به استفاده از دروندا‌های بومی پیشرفته‌تری است که باید توسط کشور میزبان تأمین شود.

در نهایت لال به بررسی تأثیر دو متغیر FDI جذب شده و سرمایه‌گذاری کشورها در تحقیق و توسعه در رقابت پذیری صادراتی آنها (با تأکید بر صادرات محصولات پیشرفته) می‌پردازد تا نشان دهد چگونه کره و تایوان موفق شده‌اند با جذب نسبتاً کم FDI ولی با سطح بالاتری از سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، الگوی متفاوتی از رقابت‌پذیری را به نمایش بگذارند [۲۰]. در الگوی این کشورها، در دوره اولیه رشد برخوردهای محدودکننده و گزینشی با FDI صورت گرفته و در عوض، تشویق واردات فناوری از سایر روش‌ها توسط شرکت‌های بومی و تشویق آنها به صادرات بسیار برجسته به نظر می‌رسد.

یک تنوع در سیاست‌های کشورهای در حال توسعه خصوصاً در شرق آسیا به چشم می‌خورد. لال راهبرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای هنگ‌کنگ، سنگاپور، تایوان و کره را این گونه معرفی می‌کند: در هنگ‌کنگ اتکاء به نیروهای رقابتی بازار، در سنگاپور هدف‌گیری تهاجمی و سوق دادن شرکت‌های چندملیتی به سمت فعالیت‌های باارزش افزوده بیشتر، در تایوان پایش دقیق و عدم تشویق به ورود شرکت‌های خارجی در حوزه‌هایی که شرکت‌های داخلی قوی وجود دارند و در کره FDI فقط برای شرایطی که سایر روش‌های بیرونی امکان استفاده ندارند [۲۲].

۷- صدور سرمایه‌گذاری خارجی یا بین‌المللی شدن شرکت‌های کشورهای در حال توسعه

با رشد شرکت‌های چندملیتی در کشورهای در حال توسعه و سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها در نقاط مختلف دنیا [۲۳]، دیگر

صادرات را می‌توان به عوامل مخصوص شرکت/صنعت، بازار داخلی، کارآفرین و تصمیم‌گیر و بازار هدف تقسیم‌بندی کرد [۲۸]. همچنین موانع صادرات در سطح مختلف ورود شرکت به حوزه بین‌الملل می‌تواند متفاوت باشد که در مطالعات این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از حوزه‌های نوپدید در مطالعات کسب‌وکار بین‌الملل، پدیده بین‌المللی شدن سریع یا کارآفرینی بین‌الملل است. ریشه‌های این حوزه علمی را باید در حوزه کسب‌وکار بین‌الملل و همچنین کارآفرینی به صورت مشترک جستجو کرد. مک دوگال^۱ و اویت^۲ آن را چنین تعریف کرده‌اند [۲۹]: ترکیبی از رفتار نوآورانه، پیش‌فعالانه و ریسک‌پذیر که فراتر از مرزهای یک کشور به دنبال ایجاد ارزش در سازمان‌ها است. مشخصات این شرکت‌ها را می‌توان چنین برشمرد: حضور در صنایع مختلف، ارائه محصولات و خدمات خاص و ویژه در بازارهای گوشه‌ای، استفاده از ساختارهای حکمرانی ترکیبی، خلاقیت و نوآوری نه تنها در فناوری بلکه در مدل کسب‌وکار، رویکرد پیش‌فعالانه در حضور بین‌المللی.

از نگاه سیاست‌گذاری، زمینه‌سازی برای ایجاد شرکت‌های بومی بین‌المللی در مقایسه با تلاش فراگیر برای جذب شرکت‌های چندملیتی، برنامه راهبردی‌تر و افق وسیع‌تری پیش‌روی کشورهای در حال توسعه خصوصاً کشورها دارای ساختار صنعتی و بازار بزرگ قرار می‌دهد. البته تعاملات بین‌المللی، به هر حال جزء لازم توسعه شرکت‌هاست و زمینه‌سازی برای انواع همکاری‌ها میان شرکت‌های بومی و بازیگران خارجی باید مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، باید دو دسته سیاست‌های جذب فناوری (شامل روش‌های درونی یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و خصوصاً روش‌های بیرونی مانند اخذ لیسانس) و سیاست‌های حمایت مشروط از رشد شرکت‌های فناور بومی جهت تبدیل شدن آنها به شرکت‌های بین‌المللی با هم ترکیب شوند.

۸- بررسی یک مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در

ایران

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران قدمتی طولانی دارد، اما

مدل‌های متعددی برای توضیح پدیده بین‌المللی شدن شرکت‌ها ارائه شده است. یک گروه مهم از این مدل‌ها، مدل‌های فرآیندی یا مرحله‌ای هستند که به بیان مراحلی که از طریق آنها شرکت مشارکت خود را در عملیات بین‌المللی بیشتر می‌کند، می‌پردازند. مثلاً چهار مرحله (۱) فاقد صادرات منظم، (۲) صادرات از طریق کارگزار، (۳) نمایندگی فروش و (۴) ایجاد واحد تولید و مونتاژ را به این منظور برشمرده‌اند که نشان‌دهنده افزایش تدریجی منابع درگیرشده توسط شرکت می‌باشد. مدل رید با نگاه انتشار نوآوری به بین‌المللی شدن می‌نگرد و مراحل ۵ گانه آگاهی، قصد، سعی، ارزیابی و پذیرش را در مسیر شرکت مطرح می‌کند؛ که همچون مراحل انتشار یک نوآوری یکی پس از دیگری طی می‌شود تا شرکت به بالاترین سطح برسد [۲۶]. از این مدل‌ها به عنوان رویکرد رفتاری و تجربی نیز یاد می‌شود زیرا بر نقش افزایش تدریجی شناخت و یادگیری شرکت نسبت به اقتضائات حضور در عرصه بین‌الملل تأکید دارند.

در کنار اهمیت عنصر یادگیری و انباشت دانش برای غلبه بر شکاف دانشی حضور در عرصه بین‌الملل، نقش شبکه‌ها در بین‌المللی شدن شرکت‌ها به صورت فزاینده‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. شبکه‌ها به عنوان تسهیلگر و یا وسیله (مسیر) بین‌المللی شدن شرکت‌ها نقش مهمی دارند. شبکه‌های می‌توانند از طریق تحریک انگیزه و نیت شرکت برای ورود به حوزه بین‌الملل، تأثیر بر تصمیمات بازاری و تصمیمات مربوط به نوع ورود، کسب اعتبار اولیه، دستیابی به کانال‌های توزیع و شناخت بازار و کاهش هزینه‌ها و ریسک نقش مهمی در موفقیت بین‌المللی شرکت‌ها داشته باشند [۲۷]. شبکه‌ها بویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط که امکانات و دانش گسترده شرکت‌های چندملیتی را در ورود به عرصه بین‌الملل در اختیار ندارند، می‌تواند سهم مؤثری در جبران تازه وارد بودن، کوچک بودن و ناآشنایی شرکت‌ها با حوزه بین‌الملل ایفاء کند. لذا کمک به دسترسی شرکت‌ها به انواع مختلف شبکه‌های ارتباطی بین‌الملل می‌تواند یک سیاست مؤثر برای کمک به بین‌المللی شدن شرکت‌های کوچک و متوسط تلقی شود.

یک گروه دیگر از مدل‌های بین‌المللی شدن به صادرات و تحلیل عوامل و موانع آن مربوط می‌شود. عوامل مؤثر در

1- McDougall
2- Oviatt

منفعت طلبی‌های یکجانبه شرکت‌های چندملیتی و گره خوردن منافع نامشروع آنها با تاریخ سیاسی معاصر کشور باعث بوجود آمدن نگاهی منفی از سوی جامعه و نخبگان است. این نقش در اواخر دوره قاجار و پهلوی در مجموع به نفع کشور ارزیابی نشده است. سابقه فعالیت شرکت‌های چندملیتی در انحصار تنباکو و گمرکات، امتیاز نفت و کودتای ۲۸ مرداد و سپس معادن مختلف و توسعه صنایع نظامی و مصرفی از مواردی است که باعث شد در اوایل انقلاب اسلامی با مخالفت جدی در خصوص ادامه همکاری این شرکت‌ها و مصادره دارایی‌های آنها همراه شود. متأسفانه به دنبال آن دولت‌های پس از انقلاب در دادگاه‌های بین‌المللی مجبور به پاسخگویی و جبران خسارات سنگین به این شرکت‌ها شدند.

طی دو دهه اول انقلاب و هم‌زمان با محدودسازی فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی در ایران، اقتصاد جهانی دچار تحولات شگرفی از جمله در توسعه کسب‌وکار بین‌الملل شد. فرآیند جهانی‌سازی شروع به گسترش یافت و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی به شدت از آن حمایت کردند. همچنین با فروپاشی بلوک شرق، اقتصادهای مهمی مانند جمهوری‌های شوروی، چین و اروپای شرقی به اقتصاد آزاد پیوستند. نظام‌های اقتصادی بازار محور جایگزین نظام‌های برنامه ریزی مرکزی شد. اقتصادهای بزرگ در حال توسعه مانند هند، آفریقای جنوبی، آرژانتین، برزیل، ترکیه، تایلند، اندونزی و مصر رویکرد استقلال و کاهش واردات را با راهبردهای مبتنی بر مشارکت در زنجیره ارزش جهانی جایگزین کردند. به واسطه تحولات فوق سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافته و رقابت شدیدی برای جذب آن شکل گرفت.

در این بین در سال ۱۳۸۱ قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی با استانداردهای بین‌المللی در کشور به تصویب رسید که نقطه عطفی در به رسمیت شناختن استفاده از ظرفیت FDI در توسعه کشور بوده است. یک نکته مهم در این قانون منوط کردن پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی به رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات می‌باشد. در سال‌های اخیر، بر اساس اطلاعات آنکتاب اصلی‌ترین حوزه‌های کشور در جذب سرمایه

خارجی انرژی، خودرو و اپراتور تلفن همراه بوده است. سلیم و همکاران در تحقیقی میدانی به بررسی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که عامل دسترسی به بازار، اولین انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی بوده که از عامل بعدی یعنی دسترسی به منابع ارزان فاصله قابل توجهی دارد. البته با لحاظ کردن شرکت‌های نفتی و پتروشیمی که در نمونه آماری این تحقیق کمتر حضور داشته‌اند، می‌توان گفت در شرایط فعلی عمده انگیزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بر اساس دسترسی به بازار و منابع اولیه ارزان بوده است. همچنین نتایج تحقیق دیگری از این محققین نشان می‌دهد FDI در ایران تأثیر مستقیمی بر فعال شدن کانال‌های مختلف سرریز فناوری نداشته است، ولی افزایش توانمندی‌های فناورانه شرکت‌های سرمایه‌پذیر نقش میانجی در فعال شدن دو مسیر سرریز یعنی اثر مشاهده و آموزش داشته است [۳۱] از سوی دیگر نمی‌توان از نظر دور داشت که سیاست شرکت‌های خارجی برای بهره‌مندی از بازار ایران در وهله اول، صادرات کالا و یا اعطاء لیسانس بوده و اساساً کمتر به تولید و سرمایه‌گذاری در ایران ورود پیدا کرده‌اند. البته در بخش خدمات با توجه به هم‌زمانی مصرف و تولید و عدم امکان صادرات، شرکت‌های خارجی بیشتر اقدام به ورود به بازار ایران کرده‌اند که نمونه‌هایی از آن در بخش خرده‌فروشی و ارتباطات قابل مشاهده است.

سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته در شرکت ایرانسل که یکی از شرکت‌های اصلی ارائه‌دهنده خدمات ارتباطات در کشور است، یکی از نمونه‌های مهم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور است. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با هدف توسعه ارتباطات و مخابرات از طریق خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی، در سال ۱۳۸۴ امتیاز اپراتور دوم را به کنسرسیوم ایرانسل با مشارکت ۵۱٪ طرف ایرانی و ۴۹٪ شرکت MTN آفریقای جنوبی واگذار نمود. در ادامه این شرکت در سال ۱۳۸۷ مجوز ارائه خدمات اینترنت پرسرعت را کسب نموده و در سال ۱۳۹۳ مجوز ارائه خدمات نسل سوم و چهارم اینترنت همراه را کسب نمود و اکنون تبدیل به بزرگترین اپراتور ارائه‌دهنده اینترنت در منطق خاورمیانه شده است. از سرمایه‌گذاری شرکت MTN در

معروف چینی در حوزه ارتباطات قرار گرفته است. در بخش تجهیزات، تقریباً تمامی تجهیزات مخابراتی در حوزه اپراتورهای همراه وارداتی است. در قسمت خدمات ارزش افزوده خدمات مربوط به تولید محتوا (CP) و ارائه سرویس توسط ارائه دهندگان خدمات (SP) عمدتاً توسط شرکت‌های داخلی ارائه می‌شود، اما پلتفرم‌هایی که بر بستر آنها خدمات ارائه می‌شود مانند پلتفرم IPTV عمدتاً وارداتی است و توسط ارائه دهندگان خدمات یا خود اپراتورها تهیه می‌گردد.

در این خصوص نقش نهادهای سیاست‌گذار مانند وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان تنظیم مقررات در انتقال و توسعه فناوری‌های مخابراتی ناشی از سرمایه‌گذاری شرکت ایرانسل، نقشی تعیین‌کننده و نیازمند ارزیابی است. این وزارتخانه سیاست‌های کلی بهره‌برداری و توسعه فناوری در بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات را وضع می‌کند که تأکید بر کارایی خدمات ارائه شده توسط اپراتورها و توجه به مسائل امنیتی در رویکردهای آن مشهود است. در واقع نقش این دستگاه را در بخش توسعه بکارگیری فناوری‌های نوین برای ارائه خدمات جدید می‌توان نقشی فعال و در عین حال در بخش برقراری پیوندهای صنعتی با شرکت‌های داخلی در حوزه خدمات مهندسی و تجهیزات مخابراتی نقشی منفعل دانست.

متولی اصلی تأیید تجهیزات مخابراتی سازمان تنظیم مقررات است که هم برای تولیدات داخلی و هم وارداتی مجوز صادر می‌کند. سطوح امنیتی، کارایی و سازگاری الکترومغناطیسی از شاخص‌های اصلی است که در تأیید تجهیزات بررسی می‌شود. ضمناً این سازمان در تعیین خط‌مشی‌های بکارگیری تجهیزات و فناوری‌های مختلف نقش اساسی را ایفاء می‌کند. اما در خصوص سرمایه‌گذاری MTN الزامات عملکردی فراتر از سطح خدمات و ویژگی‌های تجهیزات مورد استفاده اعمال نشده و برای همکاری ایرانسل با تأمین‌کنندگان داخلی تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی سیاست‌های مشخصی در پیش گرفته نشده است.

البته باید در نظر گرفت شرکت‌های اپراتور، مصرف‌کننده اصلی تجهیزات و خدمات فنی شرکت‌های صنعتی هستند. این شرکت‌ها با توجه به ملاحظات کسب‌وکار، لزوم ارائه سریع خدمات و همچنین کیفیت خدمات عمدتاً تمایل به

ایرانسل با رقم تقریبی ۱/۲ میلیارد دلار به عنوان یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور پس از انقلاب اسلامی نام برده می‌شود.

آثار غیرمستقیم ناشی از سرریز فناوری حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی از طریق بررسی میزان فعال شدن کانال‌های تقلید، رقابت، آموزش نیروی انسانی و پیوندهای صنعتی قابل انجام است. با آغاز فعالیت ایرانسل به عنوان اپراتور دوم مخابراتی کشور عملاً انحصار اپراتور اول به پایان رسید و فضای رقابت فشرده‌ای در این صنعت ایجاد شد که می‌توان نمود آن را در تحرک اپراتورها برای ارائه خدمات جدید با سرعت زیاد و هم‌زمان تقلید خصوصاً در استفاده از روش‌های جدید تبلیغات و بازاریابی خدمات مشاهده کرد. در مورد آموزش نیروی کار طبعاً با بکارگیری تعداد زیادی از نیروهای فنی و مدیریتی بومی در شرکت ایرانسل و آموزش آنها توسط شرکت، زمینه لازم برای سرریز فناوری از طریق جابجایی احتمالی این افراد به سایر شرکت‌های حوزه ارتباطات فراهم شده است، هر چند مشاهده نتایج مثبت مستلزم گذشت زمان و بررسی میدانی دقیق‌تر است. اما از دید شکل‌گیری پیوندهای صنعتی میان شرکت سرمایه‌گذاری خارجی با شرکت‌های داخلی و توسعه زنجیره ارزش آن که البته آثار بسیار وسیع‌تری در جهت سرریز فناوری در پی خواهد داشت، می‌توان کاستی‌های قابل توجهی در تجربه ایرانسل ملاحظه کرد [۳۲]. این موضوع در ادامه بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

برای تحلیل پیوندهای صنعتی یک شرکت باید به دروندادهای مورد نیاز خصوصاً از نوع فناوری و همچنین جایگاه شرکت در زنجیره ارزش صنعت توجه کرد. عمده فناوری‌هایی که شرکت‌های اپراتور ارتباطات استفاده می‌کنند را می‌توان در سه گروه خدمات مهندسی، تجهیزات مخابراتی و خدمات ارزش افزوده طبقه‌بندی نمود. در بخش خدمات مهندسی مربوط به اپراتورهای همراه، خدمات مهندسی شبکه ایرانسل عمدتاً توسط خود شرکت MTN ارائه شده و کمتر از توان داخل در این خصوص استفاده شده است. به همین شکل، تعمیر و نگهداری سایت‌های مخابراتی که با توجه به وسعت جغرافیایی مناطق تحت پوشش و تعدد تجهیزات مورد استفاده گردش مالی بسیار بالایی نیز دارد، بیشتر در اختیار شرکت‌های

متقابل این دو دسته سیاست نیز تأکید می‌کند. از این منظر و بر اساس نکات برشمرده شده در نمونه شرکت ایرانسل می‌توان پیشنهادات سیاستی برای ارتقاء سرریز فناوری ارائه نمود [۳۳ و ۳۴]:

الزام به تشکیل شرکت مشترک MTN با یک کنسرسیوم ایرانی و واگذار سهام کمتر از نصف به طرف خارجی را در نمونه ایرانسل می‌توان مصداق الزامات عملکردی از نوع الزام به تشکیل شرکت مشترک دانست. همچنین همانطور که بیان شد الزامات عملکردی در مورد خدمات ارائه شده و سطح امنیت تجهیزات اعمال شده، ولی در خصوص داخلی‌سازی خدمات مهندسی و تجهیزات مورد استفاده الزاماتی اعمال نشده است.

یکی از توصیه‌های مهم به کشورهای در حال توسعه برای جذب FDI همراه با تحقیق و توسعه، پایش مداوم و تشویق و سوق دادن تدریجی فعالیت شرکت‌های چند ملیتی به حوزه‌های دارای ارزش افزوده بیشتر است، زیرا سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به تدریج و همراه با عمیق‌تر شدن فعالیت‌های یک شرکت در کشور میزبان توجیه پذیر می‌شود و لذا بیش از خدمات و مشوق‌های پیش از ورود، نیاز به مراقبت‌های پس از ورود وجود دارد. به نظر نمی‌رسد نهادهای سیاست‌گذار و تسهیل‌گر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایش منظمی از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ایرانسل با هدف وضع الزامات و مشوق‌هایی برای توسعه کمی و کیفی سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته داشته باشند.

یکی از انتظارات مهم از نهاد مشوق سرمایه‌گذاری خارجی یعنی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران، کمک به ایجاد فضای مناسب و حل مسائل سرمایه‌گذار خارجی در تعامل با نهادهای متولی است که از آن با عنوان ترویج و دفاع سیاستی^۲ نام برده می‌شود و می‌تواند با رفع موانع پیش‌روی شرکت خارجی، زمینه را برای برقراری پیوندهای وسیع‌تر آن با اقتصاد میزبان را فراهم کند [۳۴].

در دسترس بودن مراکز و زیرساخت‌های تحقیقاتی حرفه‌ای و دارای استاندارد مناسب (دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی مانند مرکز تحقیقات مخابرات و پارک‌های فناوری) و همچنین نیروی انسانی متخصص و ماهر متناسب با نیاز شرکت از

همکاری با شرکای مطرح بین‌المللی دارند. محیط این شرکت‌ها کاملاً اقتصادی و از جنس بهره‌برداری است و مزیت رقابتی مستقیم آنها در توسعه فناوری بومی نمی‌باشد. لذا تمایل جدی جهت ورود به حوزه بومی‌سازی ندارند و این موضوع اهمیت و البته پیچیدگی سیاست‌های دولتی را بیشتر می‌نماید.

یکی از حوزه‌های ارزیابی سرمایه‌گذاری خارجی، ارزیابی سرمایه‌گذاری مجدد است که به طور خاص وقتی سرمایه‌گذاری خارجی با هدف استفاده از بازار کشور مقصد صورت می‌گیرد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در حوزه سرمایه‌گذاری مجدد و توسعه محدوده فعالیت سرمایه‌گذار خارجی به بخش‌های با ارزش افزوده بیشتر می‌توان بیان کرد که شرکت مخابراتی MTN سرمایه‌گذاری‌های کلانی در حوزه فیبر نوری به منظور افزایش سرعت و کیفیت اینترنت در دستور کار دارد. تشویق ایرانسل به سرمایه‌گذاری مجدد در حوزه ارتقاء فعالیت‌هایش در ایران و حرکت به سمت فعالیت‌های صنعتی و مهندسی به ارزش بیشتر در صنعت ارتباطات و فناوری اطلاعات اهمیت بالایی دارد. لازم به توجه است شرکت ایرانسل در سال ۱۳۹۵ از طریق سرمایه‌گذاری در گروه اینترنت ایران که خود یکی از نمونه‌های سرمایه‌گذاری خارجی یک شرکت آلمانی در حوزه شرکت‌های نوآفرین در ایران است، به حوزه این گونه شرکت‌ها نیز ورود نمود. در واقع سرمایه‌گذاری مجدد توسط ایرانسل در حوزه شرکت‌های نوآفرین در حال شکل‌گیری است و می‌تواند فعالیت‌های این شرکت را در کشور گسترده‌تر کند، هر چند همچنان جای خالی حرکت به سمت فعالیت‌های مهندسی مشاهده می‌شود.

گومن^۱ [۳۲] دو دسته سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل مشوق‌ها، الزامات عملکردی، بازاریابی بین‌الملل، خدمات پیش و پس از سرمایه‌گذاری و حمایت‌های سیاستی و سیاست‌های نوآوری شامل زیرساخت‌های تحقیق و توسعه، توسعه نیروی انسانی، امتیازات مالی برای تحقیق و توسعه، افزایش ارتباطات و رژیم مالکیت فکری را در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تحقیق و توسعه مؤثر می‌داند. وی البته بر هم افزایی و ارتباط

production□: of international tests some empirical. *J Int Bus Stud*, 19(1), 12-23.

[10] Portal, D. (2005). Globalization of R&D and developing countries. *Proceedings of the Expert Meeting*, Geneva, 24-26 January 2005, p. 26.

[11] Liu, M. C., & Chen, S. H. (2012). MNCs' offshore R&D networks in host country's regional innovation system: The case of Taiwan-based firms in China. *Research Policy*, 41(6), 1107-1120.

[12] Athreye, S., & Cantwell, J. (2007). Creating competition?: Globalisation and the emergence of new technology producers. *Research Policy*, 36(2), 209-226.

[13] Guimón, J. (2013). National policies to attract R&D-intensive FDI in developing countries. *Policy Brief*, The Innovation Policy Platform. Washington, DC: World Bank.

[14] Blomstrom, M., Globerman, S., & Kokko, A. (1999). The determinants of host country spillovers from foreign direct investment: review and synthesis of the literature (No. 502). *Stockholm School of Economics*.

[15] Spencer, J. W. (2008). The impact of multinational enterprise strategy on indigenous enterprises: Horizontal spillovers and crowding out in developing countries. *Academy of Management Review*, 33(2), 341-361.

[16] Todo, Y., Zhang, W., & Zhou, L. A. (2009). Knowledge spillovers from FDI in China: The role of educated labor in multinational enterprises. *Journal of Asian Economics*, 20(6), 626-639.

[17] Carl, F. F., & Patrick, F. (2008). FDI Spillovers In An Emerging Market: The Role Of Foreign Firms' Country Origin Diversity And Domestic Firms' Absorptive Capacity. *Strateg Manag J.*, 37(1), 116-32.

[18] DIMELIS*, S. P. (2005). Spillovers from foreign direct investment and firm growth: Technological, financial and market structure effects. *International Journal of the Economics of Business*, 12(1), 85-104.

[19] Branstetter, L. (2006). Is foreign direct investment a channel of knowledge spillovers? Evidence from Japan's FDI in the United States. *Journal of International economics*, 68(2), 325-34420.

[20] Urata, S., & Lall, S. (Eds.). (2003). *Competitiveness, FDI and technological activity in East Asia*. E. Elgar Pub.

[21] Kiyota, K., & Urata, S. (2008). The role of multinational firms in international trade: the case of Japan. *Japan and the World Economy*, 20(3), 338-352.

[22] Lall, S., & Teubal, M. (1998). "Market-stimulating" technology policies in developing countries: A framework with examples from East Asia. *World development*, 26(8), 1369-1385.

[23] Konara, P., Ha, Y. J., McDonald, F., & Wei, Y. (2015). Introduction: the rise of multinationals from emerging economies—achieving a new balance. In *The Rise of Multinationals from Emerging Economies* (pp. 1-6). Palgrave Macmillan, London.

[24] Welch, L. S., & Luostarinen, R. (1988). Internationalization: evolution of a concept. *Journal of general management*, 14(2), 34-55.

[25] Calof, J. L., & Beamish, P. W. (1995). Adapting to foreign markets: Explaining internationalization.

جمله سیاست‌هایی است که در سرریز فناوری دارای اهمیت است. برنامه جذب ایرانیان متخصص غیرمقیم که در چند سال گذشته با همکاری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و اخیراً برخی شرکت‌های صنعتی کشور اجرا می‌شود، می‌تواند در این راستا مورد استفاده قرار گیرد. امکان بهره‌گیری از معافیت‌های مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند برای شرکت‌های خارجی به منزله تسهیلات مالیاتی برای تحقیق و توسعه قلمداد شود تا فعالیت‌های تحقیقاتی خود را در قالب چنین شرکت‌هایی سامان داده و به انجام برسانند. همچنین حمایت از ایجاد مراکز نوآوری توسط این شرکت‌ها برای جذب ایده‌های خوب و تربیت تیم‌ها و شرکت‌های نوپا می‌تواند به پیوند این شرکت‌ها با ظرفیت‌های بومی کمک کند.

با توجه به پیچیدگی‌ها و ریسک‌های موجود در همکاری یک شرکت ارائه‌دهنده خدمات (بهره‌برداری) با تأمین کنندگان داخلی، لازم است نهادهای متولی برنامه‌ای برای تقویت ارتباطات میان ایرانسل و تأمین کنندگان داخلی داشته باشند. در دنیا تجارب متعددی از معرفی شرکت‌های توانمند داخلی و خصوصاً ارتقاء توان شرکت‌های داخلی برای همکاری با شرکت‌های خارجی وجود دارد که می‌تواند در این خصوص مورد استفاده قرار گیرد.

References

منابع

- [1] Turner, L. (1974). Multinational companies and the Third World. *The World Today*, 30(9), 394-402.
- [2] Hall, BH. (2010). Patents and Patent Policy, 1-26.
- [3] Görg, H., & Greenaway, D. (2004). Much ado about nothing? Do domestic firms really benefit from foreign direct investment?. *The World Bank Research Observer*, 19(2), 171-197.
- [4] UNITED NATIONS. (2007). *World Investment report*.
- [5] UNCTAD. (2018). *Investment and new industrial policies*.
- [6] Klimek, A. (2011). Greenfield foreign direct investment versus cross-border mergers and acquisitions: the evidence of multinational firms from emerging countries. *Eastern European Economics*, 49(6), 60-73.
- [7] Dunning, J. H. (1980). Toward an eclectic theory of international production: Some empirical tests. *Journal of international business studies*, 11(1), 9-31.
- [8] Vernon, R. (1979). The product cycle hypothesis in a new international environment. *Oxford bulletin of economics and statistics*, 41(4), 255-267.
- [9] Dunning, J. H. (1987). *Theory toward an eclectic*

Foreign Direct Investment on Technology Spillovers to Subsidiaries in Iran. *Journal of Science and Technology Policy*, 10(2), 47-56. {In Persian}.

[31] Kamali Seraj, B., Bamdad Soofi, J., & Elyasi, M. (2015). The Effects of MNCs Foreign Direct Investment on the Development of Iran's Mobile Industry, 3(1), 9-29. {In Persian}.

[32] Guimon J. (2009). Government strategies to attract R&D-intensive FDI. *J Technol Transf.*, 34, 364-79.

[33] Guimon J. (2007). National policies to attract R&D-intensive FDI; The case of Spain and Ireland.

[34] Salim, A., Razavi, M. R., Radfar, R., Ghaffari, F., & Afshari-Mofrad, M. (2018). Assessing the Effects of Foreign Direct Investment on Technology Spillovers to Subsidiaries in Iran. *Journal of Science and Technology Policy*, 10(2), 47-55. {In Persian}.

International business review, 4(2), 115-131.

[26] Reid, S. D. (1981). The decision-maker and export entry and expansion. *Journal of international business studies*, 12(2), 101-112.

[27] Zain, M., & Ng, S. I. (2006). The impacts of network relationships on SMEs' internationalization process. *Thunderbird international business review*, 48(2), 183-205.

[28] El Makrini, H. (2015). How does management perceive export success? An empirical study of Moroccan SMEs. *Business Process Management Journal*, 21(1), 126-151.

[29] McDougall, P. P., & Oviatt, B. M. (2000). International entrepreneurship: the intersection of two research paths. *Academy of management Journal*, 43(5), 902-906.

[30] Salim, A., Razavi, M., Radfar, R., Ghaffari, F., & Afshari-Mofrad, M. (2018). Assessing the Effects of